

غزل شماره ۳۸۷

شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهنان
که به مژگان کشند قلب همه صف کشنان

مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت
گفت ای چشم و چراغ همه شیرین سخنان

تاکی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود
بنده من شو و بر خور ز همه سیمتنان

کتر از دهنه ای پست شو مهربورز

تابه خلونکه خورشیدرسی چرخ زنان

بر جهان تکیه مکن و رقد حی می داری

شادی زهره بینان خور و نازک بدنان

پریمانه کش من که روانش خوش باد

گفت پر میز کن از صحبت پیمان شکنان

دامن دوست به دست آرز دشمن بکسل

مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان

با صبا در چمن لاله سحر می‌کفتم

که شهیدان که اند این همه خونین کفنان

گفت حافظ من و تو محرم این راز نه ایم
از می لعل بحایت کن و شیرین دهنان

تفسیر فال

به شما می‌گویند که چرا به دنبال پول و ثروت نمی‌روید و همواره در سخنان خود از شعر، ادبیات و عاشقی یاد می‌کنید. در پاسخ به این اظهارات، شما با قاطعیت بیان می‌کنید که زندگی مرفه و پر از امکانات مادی بدون وجود عشق و احساسات عمیق انسانی هیچ‌گونه معنا و ارزشی نخواهد داشت. شما به این باور پایبند هستید که عشق، نه تنها یک احساس بلکه یکی از ارکان اساسی زندگی بشری است. همچنین، در مقابل دنیای فانی و زودگذر، تکیه

نمی‌کنید؛ زیرا بر این باور هستید که لذت‌های واقعی در دوری از گناه نهفته است. شما معتقد هستید که برای رسیدن به خوشی حقیقی باید مرد خدا بود؛ یعنی شخصی باشید که ضمن پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی، تلاش کند تا زندگی خود را بر پایه ارزش‌های والای انسانی بنا کند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)